آئین اسلام

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر
نصرت‌الله نوربانی

محل اداره | خیابان فردوسی | کوچه سام | تلفن ۸۹۱۹

بهای اشتراک
در کشور | سالیانه ۲۰۰ ریال | ششماهه ۱۰۰ « | سه ماهه ۵۰ «
در خارج باضافه اجرت پست

کتابخانه مجلس شورای ملی

سال اول شماره اول اول فروردین ۱۳۲۳ — فعلا روزهای شنبه منتشر میشود — بهای هریك شماره ۳ ریال

مرام ما

روش ما اظهار عظمت اسلام و مرام ما ترویج این آئین مبین است تنها آرزوئی که داریم اینست که بتوانیم بعالم اسلامی خدمتی کنیم و اخلاق و اطوار وآداب اسلام راگوشزد عالمیان و مخصوصاً عامیان نمائیم .

مادراین‌وقت که‌خامه‌بدست گرفته‌وبدین‌خدمت‌همت گماشته‌ایم ازمسئولیت سنگین خود در راه نامه نگاری آگاه هستیم ومیدانیم یك‌نفر نامه نگار که بخواهد ازروی‌ایمان و عقیده در راه اصلاح اخلاق جامعه‌ای‌قدم بردارد باید باچه مشکلاتی مواجه شود مخصوصاً در محیطی که مدتها است معالم دین منهدم شده وآثار آن مندرس گردیده و مشتی تعالیم فرعی که آلوده بخرافات است جانشین حقایق شده است ولی چون با نیتی صادق و قلمی بی آلایش و دلی پاك از هرگونه هوس و مملو از حب اسلام قدم در این راه نهاده ایم کمال امیدواری‌را بموفقیت خود داریم وآن روزرا بخود نوید میدهیم که مشاهده کنیم ایرانی یکباردیگر درتحت لوای مقدس اسلام و تعالیم آن پا بدائره ترقی و تعالی نهاده ووحدت ملی خود را که ازچندین قرن باین طرف متکی بردین بوده‌است باز بدست آورده .

بدین جهت مرام خود را احیاء معالم دین نهاده ایم زیرا براثرمطالعه و تتبع در تاریخ‌سلف‌برما ثابت شده‌است که شرق عموماً وایران خصوصاً باخدا پرستی ودین‌داری زیسته و سعادت و خوشبختی این ملت در آن ادواری بوده است که از روی عقیده و ایمانیکه در پرتو دین در آنها تولید شده است دست اتحاد و یگانگی بهم داده اند .

درآن روزگارکه ایرانی متخلق باخلاق‌اسلامی بوده مفهوم میهن پرستی واطاعت از اولی‌الامررا میدانست ودفاع از میهن و پیروی ازاوامر اولیاء امور را برخود فرض و واجب میشمرد درآن روز وفای بعهد و مواظبت برنظافت و رحم برزیردست وکوشش در احسان و مسابقه در دستگیری از ضعفاء و سعی در خیرات و مبرات و احداث‌باقیات صالحات را درپرتو دستورهای اسلام فراگرفته بود . درستی و راستی و امانت وعفت را درآن مکتب الهی خوانده و از روی میل و شوق و عشق بدان تعلیم عمل میکرد و در سایه همین کردار و اعتقاد قرنها درکمال سروری وبزرگی میزیست .

بقیه درصفحه ۲

کارکنان روزنامه آئین اسلام سال نو را بعموم ایرانیان تبریك میگویند وامیدوارند همگی درپرتو اتحاد و زیر لوای باعظمت اسلام قرار گرفته و یکباردیگر بهارمجد و عظمت را تجدید نمایند .

بقلم‌یکی‌ازدانشمندان‌بزرگ

آئین اسلام

هفته نامه آئین‌اسلام که امروز روز میلادمبارك‌آنست برای‌مقصود مقدسی‌بعالم وجود پانهاده میخواهد حقایق اسلام‌را بی پرده و پیرایه در نظر دانایان وحق جویان جهان‌جلوه دهدمیخواهد ابرهای‌تعصباتی که از دماغهای تاریك دور اسلام تشکیل شده بود پراکنده ساخته آفتاب اسلام حقیقی‌را درخشان سازد ومیخواهد نشان دهدکه آئین‌اسلام حقیقت‌است وهرحقیقت وعلمی آئین اسلام است میخواهد بثبوت رساندکه دراسلام تعبدیات‌عین‌عقلیات است وآنانکه‌ازکوتاهی فهم خود تعبدیات اسلام

بقیه درصفحه ۲

اثر طبع آقای محمد علی ناصح

نوروز

نو روز در رسید بمهمانی جهان	بادا خجسته مقدم فرخنده میهمان
زینگونه میهمان گرامی کسی که دید	کورا عزیز تر شمرد میزبان زجان؟
یا دست رنج سال گذارد بچند روز	با وی برسم مردم آزاده درمیان؟
آری چسان عزیز نباشد کسی که هست	خوشخوی و نیك طبع و نکوروی و مهربان
وز دست زورمند بهم در شکست خرد	دست دراز لشکر غارتگر خزان
وانگونه زو گریخت زمستان شوم پی	کاندر بسیط خاك نبینی از او نشان
گیتی که بود پیر دژم روی سالخورد	نوروز چون رسید دگرباره شد جوان
اکنون گرفت پرده زرخسار دلفریب	آن گل که پار کرد رخ از چشم ما نهان
بگشود برسرود خوش عندلیب گوش	سرخی زشرم رو ـ زخوشی خنده بر دهان
وان نغزگوی بلبل از باغ گشته دور	وز هجر گل ببسته ز قول و غزل زبان
باز آمد و برسم ره آورد بهر وی	آورد نغمه های دل انگیز ارمغان
فصل گلست مطرب و میخواه کاین دو هست	جان داروئی کزو رسد آسایش روان

بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه اول

مرام ما

ما معتقد هستیم برای تهذیب اخلاق یك ملت و تلقین درس میهن پرستی بهتر و جامعتر از دستورهای دینی نیست . بالاتر از این در تعالیم دینی رمزی است که بشرح می‌آید و تاکنون هیچ قانون و تعلیمی قادر نبوده است یك پلیس باطنی مانند قوانین آسمانی در نهاد بشر ایجاد کند که درهمه جا وهمه حال با او بوده و مراقب اعمالش باشد و از هر عمل زیان آوری او را باز داشته و براه خیرش دلالت کند بدیهی است تمام تعالیم آسمانی نیز یکسان نیستند و آنکه از همه کاملتر است سودمند تر و مؤثرتر میباشد قدر متیقن آنکه دین اسلام کمال وشایستگی خود را برتمام جهانیان ثابت نموده است پس تخلّق باخلاق اسلامی و اجرای دستور های آن برای موفقیت در زندگانی بشری صاف ترین شاهراهها میباشد اما بشرط آنکه همان اسلامی باشد که مروج عدالت و داعی برای فضیلت ومتمم اخلاق نیکواست ـ آن اسلامی باشد که برابری وبرادری را مقرر داشته و برتری را فقط از راه فضل و تقوی دانسته آن کیش پاکی که دعوت بدانش و معرفت و شناختن خدای یگانه مینماید . آن آئینی که کوشش را سرمایه ترقی بشر دانسته و تمام افراد جامعه انسانی را دعوت بصلح و آرامش و اتحاد مینماید همان اسلامی که متابعت از تعالیمش امروز دوای درد های اجتماعی این جهان سرگردان است .

آری مرام ما اینست که درراه احیاء اصول این دین بکوشیم و امیدواریم موفق شویم و با نقشه‌ای که برای پیشرفت این منظور برای خود کشیده وبا کمك نویسندگان مطلع ودانشمندی که آثارشان دراین نامه بنظرخوانندگان خواهد رسید کمال امیدواری را بانجام مقصود داریم امیدواریم علاقمندان باسلام از بذل مساعدت و همکاری دریغ نفرمایند.

نوریانی

بقیه از صفحه ۱ **آئین اسلام**

را مقابل عقلیات قرار داده اشتباه کردند سنائی غزنوی درقرن پنجم هجری خطاب به پیغمبر (ص) عرض می کند (دین تورا درپی آرایشند ـ در پی آرایش و پیرایشند بسکه به بستندبراو برك و ساز گرتو بیائی نشناسیش باز) قرن ـ چهاردهم را قیاس فرمائید معنی لفظ آئین اسلام محدود بـه قوانین عبادات یامعاملات یا حدودو دیات نیست بلکه هفتادبطن داردتمدن و علوم وآداب واخلاق اسلامی هم که کمك گرانبهائی به ترفیع تمدن وعلوم و تکامل بشر کرده در بطون آن جمع است لفظ آئین اسلام مانند سوراخی است که درباغی پراز گلها ومیوه ها و سبزه ودرخت وفواره‌ها و جویبارها باشد از دور جز سوراخی نیست اما چون چشم بر آن نهی باغی چنان دلگشا بینی . یامانند حدقه چشم است که حلقه ای بیش نیست اما آسمان با ستاره گان و زمین با آثار آن در آن هویداست ـ آرزو داریم تاسیس این جریده کمك به تکامل بشر و خدمت بتمدنی باشد که مشترك تمام ملل است ـ پس جادارد که دانایان تمام ملل و نحل وادیان با این نامه هم کاری کنندو مقالات علمیه برای درج بفرستند ، قرنها دو فرقه برادر اسلام باهم قهر بودند امیدواریم درپرتو آئین اسلام آشتی کنند ـ سبب قهر اختلافات جزئی است که ازسوء تفاهم پیدا شد، ورفع آنها ممکن است ـ آئین اسلام آئینه حقیقی است که مربی بشر و نگاهدار فرهنك انسانی و فزاینده دانش و بینش است ـ امیدواریم آئین اسلام نماینده توحید حق تعالی و فرهنگ اسلامی یعنی دانش و اندیشه وگفتار ورفتار و آثار پاك دانایان اسلام برای خوانندگان باشد .

بقیه ارصفحه ۲

نوروز

یعنی بباغ رو که کند مست وسرخوشت — لطف نسیم و نغمهٔ مرغان نغز خوان
بردش ز سر خمار می شب هوای باغ — نرگس زخواب صبح چو برخاست سرگران
برطرف جو بنفشه تازه است دلفریب — مانند زلف یار برخسار دلستان
چون روی دلبری زشراب صبوح مست — آید بدیده چهره گلگون ارغوان
یك لحظه درنگر که بدامان کوهسار — یك ره ببین که برطرف دشت وبوستان
افروخت شمع لالهٔ خودروی از نسیم — گسترد دست باد صبا سبز پرنیان
بز فرق شاهدان چمن در نثار کرد — ابری که برد آب ز دریای بیکران
ماند جهان بجنت فردوس گوئیا — رضوان در بهشت گشوده‌ست برجهان
رفته نسیم باد ز صحن چمن غبار — شسته سحاب گرد ز رخسار گلستان
مانا قران سعدین آمد کز اتفاق — نوروز خاص و عام بهم یافت اقتران
نوروز عام را نبود این همه بها — وین روشن است نزد بزرگان خرده‌دان
نوروز خاص راست بلی این اثر کزو — آید برقص در تن دهر از طرب روان
روز ولادت سرو سالار انبیاست — نوروز خاص خرم و فرخنده برجهان
دارای دین محمد مرسل که پیشوی — دارند راستان سرخدمت بر آستان
آن امی فصیح که از سحر حکمتش — هر گوهری که زاد به ازگنج شایگان
وآنانکه اوستاد و خداوند دانشند — در مکتب حقایق اویند عشر خوان
وقتی‌که داشت تیرگی جهل چیرگی — روزی که بود شرك بر آفاق حکمران
او برفراشت رأیت توحید بر سپهر — زو جان علم یافت دل مردهٔ جهان
بر وی رسیده رنج ز گولان بی ادب — زان بیشترکه وهم من و تو بردگمان
او در دعا بدرگه دادار کائنات — کای آشکار پیش تو راز و نهان عیان
بنمای راه راست بدین مردم و مگیر — بر جاهلی دو، سودندانسته از زیان
اینك زمن شنوسخنی چنداز آنکه گفت — گویندهٔ بیان وی از وحی ترجمان

✡ ✡ ✡

دست خدای همره و یار جماعتست — هان دور شو ز تفرقه با جمع توأمان
آن آگه ازحقیقت ایمان بودکه هست — دل با زبان او بهمه حال هم زبان
زنهار هرچه را نپسندی بخویشتن — گر مؤمنی مخواه روا بر برادران
بر ناتوان ببخش که بخشایدت خدای — انفاق کن ز خواستهٔ خویش تا توان

✡ ✡ ✡

ای مسلمین که باد شما را پناه و پشت — دست خدای از فتن آخر الزمان
از اتفاق دست مدارید که اتفاق — باشد که نیکبختی ما را کند ضمان
در کارزار دهر نیاید ظفر بدست — گر اتفاق را نبود پای در میان
احسان کنیدزانکه نکوکار بهره‌یافت — هم از نعیم دهر و هم از نام جاودان

✡ ✡ ✡

ای آفریدگار و خداوند دادگر — مارا بفضل خود زدر فضل خود مران
تأیید راستی ده و توفیق بندگی — و ز ترکتاز فتنه ایام وارهان

بقلم آقای محمدعلی خلیلی

تربیت دینی

بشر بالطبع سرکش و خودخواه و شهوت ران ومتعدی است. با آنکه استعداد هزارگونه ترقی را دارد و آماده تربیت و فرا گرفتن دانش است جاهل میباشد او هیچگاه تکلیف خودرا ندانسته است آنچه طبیعی اوست جلب نفع ودفع ضرراست و از این‌راه برای احراز برتری وتامین سود وقدرت بر دفع زیان بتمام وسایل متوسل میشود وچون نیرومند باشد همان نیرو را وسیله تعدی ودست اندازی بحقوق دیگران قرار میدهد بهمین جهت است که این وجود عجیب که بالقوه هم فاسد است هم مصلح هم دانشمند است هم جاهل هم خیرخواه است و هم بد خواه هم مهربان هم قسی‌القلب وبیرحم ودرنده، باید درتحت تربیت قرارگیرد و راهنمائی شود منظوراز این تربیت این است که پرده نادانی از برابر چشمش بر داشته‌شود بمصالح خود آشنا گردد وظیفه خود را نسبت بخدا و خلق ومیهن وجامعه بداند حدود خودرا بداند وقدرخودرابشناسد بمال وبناموس سایرین تعدی نکند واز حدود خود تجاوز ننماید باین‌معنی که‌مربی بشربایدصفات بدوزیان آوررا ازاودور بدارد درنده‌خوئی وخودخواهی را ازنهادش برطرف سازد وصفات واخلاق‌حمیده‌را بقدری دراوپرورش‌دهد که وجودش خیرمحض باشد ویك وجود سودمندی گردد.

بی‌شك وشبهه‌تمام‌بزرگان‌جهان‌که درراه تربیت بشر قدم برداشته‌وبرای‌تعلیم اوکوشش نموده اند جز این‌منظورنداشته اند وبشرنیزدرپرتوهمین‌تعالیم‌استکه‌از آن عوالم‌پست بمقامی که فعلادار درسیده‌است.

هم آهنگی اجتماع

بقلم آقای راشد

افراد جامعه هنگامی باهم الفت میگیرند که از حیث فکر وعقیده ومعاش به یکدیگر نزدیک باشند دین اسلام همین کار را میکند یعنی از افراط و تفریطی که در جامعه ما پیدا شده بواسطه عمل نکردن بدستور های صحیح دین اسلامست . مادر گفتارهای خود هر گاه میگوئیم دین اسلام مقصود اسلام صحیحی است که پیغمبر آورده .

بر کشور ما درطی قرنهای گذشته حمله‌ها شده ودر آن سیاستهای مختلف پدیدآمده که هرسیاستی آنچه‌را سیاست پیش از آن رشته بوده است پنبه کرده و برخلاف آن راه دیگر پیش گرفته . درهمه این احوال‌دین اسلام همچنان باقی وعبادتش برجا واکثریت مردم این‌سرزمین درجهات عبادتی وخدا پرستی خود پیرو دستورهای مقدس آن بوده‌اند درهمه‌حال قرآن کریم‌تلاوت‌میشده ومیشود مساجدبرپا بوده وهست وعلماء دینی‌پیوسته بوده اند و هستند و کتب دینی نوشته میشده ومیشود . سیاست‌های گوناگونی‌هم که تا کنون پدید آمده غالبا برنك دین بوده هرسیاستی تا درجه‌ای دین را بعمل خود تفسیر می کرده و مقداری بدین نزدیك میشده و معجونی مخلوط بوجود میآورده است . تا این زمان که هریك از سیاست ودین‌راهی‌جدا گرفته ودر نتیجه انواع اختلافات ظاهرشده اختلافات ظاهری اختلافات فکری و اعتقادی و معاشی تا حدیکه نزدیك است جامعه هم‌آهنگی‌خودرا ازدست‌دهد ومیان پدران وپسران ومادران ودختران دانایان‌ونادانان دارایان و نادارن منافرت واختلاف پدید آید .

اکنون‌چندمقدمه باید دانسته‌شود. یکی‌آنکه‌این اختلافات و پراگندگی‌فکری‌و اعتقادی که درما پیداشده تقصیردین اسلام نیست بلکه تقصیرسیاستهای گوناگونیست که ما داشته ایم . بعبارت دیگر دین ما را خراب‌نکرده ما دین را خراب کرده ایم و تا ما چنین باشیم هر آئین وقانونی را خراب خواهیم‌کرد .

مردمیکه‌قانون‌آسمانی‌را که وضع‌ورفعش‌بدست‌آنهانیست خراب‌کنند یعنی‌برطبق آن رفتار نکنند و آنرابمیل خود توجیه و تاویل کنند آیا قانون زمینی‌راکه‌خودشان وضع میکنند درست‌بکار خواهند برد ؟ .

دوم ـ آنکه دین اسلام دین متوسط است و دارای دستور هائی است که جامعه معتدل و یکنواخت وهم آهنك بوجودمی‌آورد ـ این مدعا شواهد بسیار دارد ازعلم‌واز عمل : شاهد عملیش‌جامعه صدرا سلام‌است‌که تحت تعلیمات این‌دین‌بوجودآمدجامعه‌ای بود هم آهنك همه افراد آن دارای یك عقیده و یك طرز فکر ودر معاش نزدیك‌بیك دیگر همه باهم مهربان و متحد وبرادر و بهمین جهت برجامعه‌هائی که هم‌آهنگی‌را از کف داده بودند و اختلافات فکری و عقیده ای ومعاشی در آنهازیاد بود غالب‌شد وفاتح

بقیه درصفحه ۵

تربیت دینی بقیه‌ازصفحه ۳

درمیان این روشهای تربیتی روش دینی‌ودرمیان این‌مربیان پیغمبران مؤثر تربوده‌اند زیرا بشراز روز اول بانهااعتقاد عجیبی‌داشته وبماوراء الطبیعه‌توجه‌نموده وچون نمیدانسته‌است درپس آن پرده‌چه چیزهائی نهفته است بیم‌وهراس از آن‌در دلش‌بوجود آمده است ودرهرحال‌که بوده وهر اعتقاد ومبدأی‌که داشته درسخت‌ترین ساعات و دشوار ترین موانع بدون آنکه ملتفت شود بآن‌مبدأمرموز متوجه شده و اصلاح کارهای‌خودرا ازآن‌مصدرخواستار گردیده است‌بالاخره چون‌ماوراءالطبیعه در نهاد وروح بشرتاثیر خاص داشته است نفوذ در او از آن‌راه بهترو سود مندترو مؤثر تر بوده و تعالیم و دستور هائی که مصدرشان‌از آنجا است‌زودتر موردقبولش واقع گردیده‌وبکسانی‌که ازآنسوی‌فرستاده شده اند باچشم دیگری نگاه‌کرده واوامر آنهارا پذیرفته و وقتی آن اوامر وتعالیم را از روی عقیده‌پذیرفت بطوری‌درنهادش متمکن میشود که بایك قوه عجیبی بدون هیچ مقاومتی‌درصدد اجراء آنها برآمده اتهت بالاخره تعالیم پیغمبران بیش از هر تعلیمی در بشر تاثیر داشته وهنوزنمیتوان گفت چه‌رمزی درکاراست که این‌تأثیررا باین تعالیم داده‌است وبا آنکه‌مدنیت قرن بیستم‌بشررابپایه‌ای‌رسانده که‌برقوای‌طبیعت حکومت میکندوعقل‌بجائی‌رسیده که‌خوب و بدو سود و زیان را تشخیص می دهد وعلوم ومعارف‌وقوانین وتشکیلات بشری بصورتی در آمده که با سطح مدنیت و دانش او مساوی است با وجود این هنوز تعالیم دینی و گفته های پیغمبران بقوت

بقیه درصفحه ۵

بقیه از صفحه ٤

هم آهنگی اجتماعی

در آمد. سر غلبه مسلمین هم آهنگی واعتدال آنها بود وسر مغلوبیت حریفانشان درهمه جا عدم اعتدال و نداشتن هم آهنگی. شاهد علمیش آیات قرآن و سنت پیغمبر و آثار اصحاب پیغمبر و ائمه دین است که همه در دست است وخوشبختانه کلمه‌ای ازبین نرفته و بسیاری از این آیات و اخبار را خوانندگان مکرر شنیده‌اند.

سوم ـ آنکه ما احتیاج بدین داریم یعنی همانطوریکه درمردم غریزه احتیاج بآب و نان هست غریزه خدا جوئی و حس خداپرستی نیز هست. اگربمردم خدای پاك معرفی نشود و دستورهای صحیح داده نشود از سنك وچوب بت خواهندساخت وخرافاتی بنام دین و خدا پرستی بوجود خواهند آورد. هرچیزیکه دروجود خودمردم مبدأ نداشته باشد نمیشود بر آنها تحمیل کرد مثلا. عشق اگر در وجود خود مردم مبدئی نمیداشت کسی نمی توانست برآنها تحمیل کند. اصلا کسی بفکر نمی افتاد که راجع بآن سخن گوید اگر کسانی بدروغ وتصنع اظهار عشق یادبنداری کرده اند پس از آن بوده که اشخاصی براست این اظهار را کرده و اینها از آنها تقلید کرده اند و گرنه تا راستی نباشد ممکن نیست دروغی بوجود آید. باری مقصود اینست که چون درمردم غریزه خدا جوئی هست ومیخواهند با آفریدگار خود راهی داشته باشند بهتر اینستکه ازهمین غریزه برای تربیت اخلاق واصلاح اعمال آنها استفاده شود.

ذات اقدس حق تعالی که منزه از همه نقائص و مبدء همه کمالات است بآنان معرفی شود تا طالب خیرو کمال شوند و دستور های خدا پرستی و دینی طوری بآنها داده شود که اعمال آنها را اصلاح وزندگیشان را منظم سازد واگر ازدین این استفاده نشود عکس آن خواهد شد یعنی غریزه خدا جوئی که از مردم سلب نخواهد شد از همان غریزه شیادان و خائنان استفاده خواهند کرد و آنان را بجای خدا پرستی بت پرستی تعلیم خواهند کرد عوض اینکه بوسیله خداشناسی روح آنها را روشن و فکرشان را بلند و قلبشان را پاك گردانند برعکس فکرشان را پست و روحشان را تاریك و قلبشان را آلوده خواهند ساخت و بجای آنکه دستور های صحیحی از این راه بانها دهند که در زندگی دنیا وآخرت سعادتمندشان کند آنان را بکارهائی واخواهندداشت که بربیچارگی و بدبختی دنیا و آخرتشان تمام شود چنانکه کاهنان ورمالان و حقه بازان و فالگیران و نقالان کرده اند و میکنند.

مقدمه چهارم ـ آنکه دین مقدس اسلام این منظور را یعنی توجه دادن مردم را بخدا و منزه ساختن خدا را از همه نقائص و اسناد دادن همه خوبیها وکمالات را بخدا و وضع دستور هائی که مردم را در جسم و روح دنیا و آخرت منظم و سعادتمند گرداند بکاملترین وجهی انجام داده.

مقدمه پنجم ـ اینستکه تعلیمات قرآن زنده است و قرآن درهرزمانی میتواند مردم را براه راست آورد. قبول است که در دین اسلام بدعتها وگمراهیهائی پدید آمده یعنی مغرضین ایجاد کرده اند ولی طوری نیست که اگر کسی طالب حق باشد نتواند حق را بیابد وتشخیص دهد بلکه قرآن و سنت پیغمبر باندازه‌ای گویاست که غافل را متنبه

ناتمام

بقلم آقای اسمعیل مرتضوی برازجانی

بزرگترین مصلح کیست؟

اگر بخواهیم مصلحین گیتی رابایك دیگر مقایسه کنیم و خدماتیکه هریك بنوبه خود بجامعه بشری کرده اند از نظربگذرانیم تامعلوم گردد کدام یك درراه اصلاح وهدایت بشر بیشتر رنج برده‌اند ودرنتیجه دنیا ازوجود آنان زیادتر بهره مند شده‌است بایددو چیزرا مورد توجه قراردهیم یکی مقدارفسادیکه در آن جامعه رواج داشته دیگر اند زه موفقیتی که در راه بر انداختن بنیاد تباهی و ناپاکی نصیب مصلحین اجتماع گشته است.

تاریخ بهترین گواه صادق است وهر جا تاریك باشد دربن‌مورد بخصوص هیچگونه ابهامی ندارد که درچهارده‌قرن پیش جامعه ـ ای‌فاسد تروتباه‌تر ازجامعه‌مردم جزیرةالعرب نبوده است که‌نه ازفضایل اخلاقی اثری‌بودو نه‌از علائم مدنیت خبری هرچه را که شما از ظواهر تمدن و کمال میدانید ضد آن درآن دوران حکمفرما بوده است و اگر بخواهیم یکایك آنها را شرح دهیم باصطلاح (مثنوی هفتاد من کاغذ شود).

پس ازذکر این‌مقدمه بایددانست که وظیفه یك‌مصلح اجتماعی چیست؟ و در راه

بقیه ازصفحه٤

خودباقی‌است‌ونفوذی که‌آنها درنهادبشر دارند هیچ‌قانون‌وتعلیمی ندارد وهنوز بآن‌تعالیم و آورندگان‌آنهاباچشم‌قدس نگاه‌میکنند وهنوز بشر در مواقع سخت بهمان مبداء که این تعالیم را فرستاده توجه مینمایدو با آنکه قرنها ازعمرآنهامیگذردبازسعادت رادرپرتو آنها دانسته و اینهمه تشکیلات وعلوم ومعارف‌وقوانین را که‌دست بشر به وجود آورده مایه بدبختی خود میداند و و از همین جا است که میتوان گفت برای تربیت بشر و برای ایجاد سعادت حقیقی در این جهان هیچ تربیتی بهتر از تربیت دینی نیست. بشر باید متدین باشدتا روی خوشبختی راببینند.

بقلم آیت‌الله آقای محمدباقر پژوهش

نهضت اسلام

این کلمه بسیار بگوش خوانندگان محترم آشنا وصدها سال است زبان زد مردم مسلمان و غیرمسلمان است وممکن است کسیکه بطور عادی این کلمه‌را بشنود یادر سرلوحه مقاله ببیند این قدرها مجذوب وفریفته آن نگردد که رغبت کند وقت خویش‌را بخواندن مقالات بسیار ومفصلی که درزیر مندرج میشود صرف کند.

ولی ما میخواهیم بایك تفسیر تازه علمی ومنطقی در موضوع نهضت اسلام گفتگو کنیم که نسبتاً بی‌سابقه وبسیار دقیق است و خواننده پس‌از خواندن وتأمل تصدیق می کند با فکر تازه وروش ومنطق خوبی بمفاد این کلمه برخورد کرده واین عنوان مکرر رابااین نظر یك عنوان ابتکاری وبرفائده‌ای تلقی خواهد کرد.

این کلمه در گوش هر دسته از آشنایان ومعتقدان بمبادی اسلام ازدوست ودشمن وبیطرف یك معنی میدهد.

توده بزرگی از مسلمانان که منطق اسلامیت آنها تربیت خانوادگی ووضع محیط است همیشه نهضت اسلامی را یك قیام الهی وفشار نیروی غیبی تفسیر میکنند ومیگویند خدا خواست مردم را هدایت کند پیغمبری برانگیخت و با یك نیروی شگرف ومعجزه دشمن شکن عقل درمیدان دعوت اسلامی قدم گذاشت ودربرابر دشمنان خود مقاومت کرد تاکار خودرا انجام داد وبهمین مناسبت برای همه موفقیتهائیکه نصیب پیغمبر شده دنبال یك معجزه وعامل غیبی میگردند واز روز قیام بدعوت تاوقت مرك بلکه از وقت زایش وبعضی ازوقت ایجاد عالم برای آنحضرت معجزه هائی معتقدند ودر برابر اینکه این پیغمبر بزرك آنهارا براه حق هدایت کرده هرساعت طبقهائی از معجزه نثارش میکنند.

این عقیده در توده ساده لوحان اسلامی از ملا و عامی خصوص از قرن سوم تاکنون تا اندازه‌ای عمومیت داشته وبهمین مناسبت بزرگترین علماء ومحدثین هرفرقه ازفرق اسلامی کتابهای ضخیم و مجلدات بسیاری در این زمینه گرد آورده و رنج بسیار کشیده‌اند تا ازگوشه و کنار کارهای فوق‌العاده ای که ازآنحضرت صادرشده بدست آورده و اهمیت خودرا ببزرگی کتاب و بالابردن شماره معجزات اثبات نمایند و وقتی میخواهند خود را یك شخص بسیار دقیق حق‌جو وحق‌گو معرفی کنند بیشتر متوجه تعدیل وتوثیق ودرستی مدارکی میباشند که این معجزات را از آن نقل کرده اند.

وفور اینگونه کتب ونظر احترامیکه بمؤلفین آنها درنزد همه فرق اسلامی مشاهده میشود عمومیت و اهمیت بازار این عقیده‌را ثابت میکند دراوائل قرن سوم اسلامی که ابوالحسن اشعری مبادی تعلیمات اشاعره را بابرجا کرد و حکومت عقل‌را الغاء نمود و سقوط سلطنت پادشاه کشور انسان را اعلان کرد این مسلك باوج ترقی خود رسید و ما درمقالات خود نام این مسلك را (نورم عقیده) میگذرانیم.

این توده بزرك اسلام همه مقاومت هائی‌راکه دشمنان پیغمبر دربرابر آن حضرت بخرج دادند صرفاً بعناد و لج بازی وملعنت تفسیر میکنند چون بعقیده خود با وجود این معجزاتی که شنیدن آنها پس‌ازصدهاسال این عقیده‌راسخ‌را به آنها بخشید بایست هم‌عصران پیغمبر ازدیدن آن صد برابر بصدق پیغمبر عقیده پیدا کرده باشند وخاکسار آستان آنحضرت شده‌باشند.

دشمنان ساده لوح پیغمبر و نهضت اسلامی هم بواکنش این عقیده قیام اسلام‌را بیك شعبده بازی و جادوگری وتسخیر عوام و دروغ بافی تفسیر میکنند وهرچه این‌دسته ازپیروان اسلام بر شماره معجزات میافزایند این ها بهمان اندازه شماره سحر یا دروغ گوئی پیروان را

بقیه درصفحه ٨

بقیه ازصفحه ٥ **بزرگترین مصلح کیست**

بهبود اوضاع و اصلاح احوال باید چه راهی را پیش گیرد تا بمقصود نزدیکتر باشد؟ به‌عقیده بزرگان و دانشمندان وآنانکه درعلم اجتماع واخلاق‌دست‌دارند برمصلح است که نظر خود را بدوامر مثبت ومنفی‌متوجه کند بدین معنی که از یك سو با خرافات و مفاسد مبارزه کندوازجانب دیگر بکوشد تا محاسن اخلاقی‌را جایگزین ذمایم اجتماعی گرداند از یك‌جهت‌ریشه‌فسادرابرکندوازسمت دیگر بذر صلاح افشاند تا بوسیله رفع موانع و ایجاد مقتضیات جامعه‌خود را از بیراهه براه‌آورد و از بیابان توحش بآبادانی تمدن رساند بنابر این بزرگترین نابغه و مصلح گیتی آنکسی است که در بدترین اجتماع ظهور کند و در اندك مدتی جامعه عقب افتاده خود را زودتر از همه بسرمنزل مقصودرساند.

اگر تاریخ ١٤ قرن گذشته‌را درست‌بنظر آوریم بدون هیچ‌شك‌و تردید اقرار خواهیم کرد که مصداق حقیقی بزرگترین نوابغ و مصلحان گیتی‌پیغمبر اسلام‌است. چه آن‌حضرت میان‌مردمی پدیدآمد که همه‌بت‌پرست‌بودند. فرزندان‌خودرا زنده‌بگورمیکردند. یك‌زن دارای چندین شوهر بود. قماربازی وشراب خوارگی بسرحد اعلی رسیده بود. دزدی و غارتگری از صفات مشخصه مردم عرب زمین بشمارمیرفت.

پیغمبراکرم‌باهمان‌روش مسلم‌اجتماعی با استقامتی هر چه تمامتر و تأیید و توفیقی خدائی شروع باصلاحات‌کرد قبل ازهر چیز بتربیت (دل) پرداخت‌زیرا هر کارکه ازبشر سرمیزند کاردل است اگرآن‌سرچشمه‌صافی بود آب زلال‌بگلوی تشنگان حقیقت‌رسد و اگر گل آلود بود خارخسك ریزد و مزاج اجتماع‌را علیل‌وبیمار کند.

درنخستین مرحله اصلاح فرمود ((همه یگانه شوید وبخدای‌یکتا گرائیدتا رستگارشوید حیف‌است وبااندکی تأمل ازعقل‌بدور میآید که‌انسان‌ساخته ومخلوق‌خودرا بپرستد. آیا سزاوار است که‌شما چوب‌وسنگی‌را که‌بدست خودتراشیده‌اید‌بپرستید؟))مردم ازشنیدن‌این سخن برآشفتند سپس‌بتکان‌آمدند ودر اندك مدت زیربارحق‌رفتند.

پس‌از آنکه‌دل‌مردم را ازلوث شرك پاك گردانید وآن‌را آماده ومستعدساخت که

شرح و ترجمه نهج البلاغه بقلم آیت الله آقای خلیل کمره‌ای

دعوت بصلح

هنگامیکه رسولخدا (ص) جهانرا بدرود گفت و عالم و اسلام دچار تشویش و وتشنج گشت ابوبکر زمام امور را بدست گرفت. عباس عموی پیغمبر (ص) و ابوسفیان بن حرب بنزد امیرالمومنین علی علیه السلام آمده تمنا کردند که دست بیعت باو بدهندو امام ازآنها نپذیرفت که قیام کند. از تحریك امام کوتاهی نکردند. ابوسفیان بامام (ع) گفت: اگر بمن اذن دهی من این سرزمین را ازسواره وپیاده پرخواهم کرد. علی علیه السلام برای جلوگیری از آشوب این دوتن سران قبیله‌را بااین سخنان حکیمانه بصلح و آرامش خواند وافکار رابجنگهای بیهوده ومنشاء آنها هشیار کرد.

رقابت قبائلی وفکرهای تعصبی ونژادی‌را ازطغیان بازداشت وفرمود: **ایها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاة** - تا آخر خطبه پنجم

شما ای مردم؛ امواج این‌فتنه هارا باکشتیهای نجات شکاف‌دهیدروش مبارزه‌تان موجی برموج میافزاید وجز این کارنمیکندما اکنون بتلاطم گرفتارشده ایم کاری باید که مارا ازاین تلاطم بگذراند. زورق نجات. کمربندنجات. چترنجات همانا این‌دو روش معقولانه است که در زیر بآن اشاره می کند چنانکه این امواج از اختلاف نفرفخیزو افتخار رقابت برخاسته.

از راهی که اختلاف و تنفرهمی‌آورد باز گردید و از فکر تاجوری و فخرفروشی بگذرید.

این روش مفاخرت آمیز و مبارزه موجی برموجی میافزاید و تلاطمی برتلاطم میاورد و جز این کار نمیکند ما اکنون که بتلاطم گرفتار آمده‌ایم کاری وراهی باید که‌ما را از این تلاطم بگذراند.

رستگار آنکس آمد که بابال قوی نهضت کرد ویاتسلیم بمقدرات شدو خود را راحت کرد -

همان نبوت است وسرچشمه کوثراست که‌اینك با میختگی آمال واغراض دیگر تغییر رنك وبو داده.

آبی است متغییر ولقمه‌ایست گلوگیر

آبی است تغییر پذیرفته و هرآبی که تغییر پذیرد بدبو میشود و این موادی که داخل آن گشته عفونت در او موجود میکند واین لقمه بزرگتر از گلوی اینها است و بالاخره گلویشان را خواهدگرفت. با وضع حاضر وناپختگی مردم که بحکم‌هوسبازی مسندپیغمبری‌را دیده‌وهوس نموده‌اند مانند طفلی‌هستندکه لباس بزرگرا دربرمیکنند و بالاخره‌آنرا بزمین مینهد اما پس ازچندین دفعه سقوط وافت وخیز آنرا میگذارد.

میوه چین که میوه نارسیده را نابهنگام بچیند برزگری را ماند که تخم کشاورزی را درغیر زمین زراعت بنشانید.

بقیه درصفحه ۸

بقیه ازصفحه۶ **بزرگترین مصلح کیست**

نور حق را بیشتر برآن بتابد فرمود (آن خدای‌یگانه و معبود بیهمتا روزی دهنده‌من‌و شماست پس‌ازترس فقرفرزندان‌خودرا نکشید زیرا هرآنکس که‌دندان‌دهد نان‌دهد).

بعدازآن‌فرمودتانژادشما اصلاح‌نشود وخون‌پاك درعروق شما جریان نیابد بسعادت نرسید باید اززناکاری بپرهیزید و نگذارید که زن بیش ازیك همسر انتخاب کند تانسل شمامحفوظ بماندوقانون‌توارث طبیعی‌وحقوقی که‌ازنوامیس گیتی‌است‌دچ راختلال‌واغتشاش نگردد. بازدواج ونکاح گرائید و بتوالد و تناسل بپردازید که من‌بداشتن‌چنین ملت حتی فرزندان سقطشدهٔ شما درمقابل همه مخلوق خدا مباهات میکنم.

فرمود تأمین‌معاش از بهترین عبادت‌هاست زیرا هر کس معاش ندارد معاد ندارد ولی‌نه از راه‌قمار ودزدی که‌راهی‌باطل‌وخطا است بلکه‌کسب وتجارت کنید تامحبوب خدا شوید. درهیچیك‌ازاین‌امورکامیاب نخواهید شد مگر آنکه سلامت خود را حفظ‌کنیدواز عوامل مرض نگهدارید. میخوارگی‌روح و جسم آدمی رافرسوده میکندشراب نخوریدو و ازاین گناه شیطانی بپرهیزید.

این‌بودنمونه‌ای‌ازعملیات اصلاحی‌پیغمبر اسلام که‌برای‌تذکره‌خوانندگان‌عزیز یادآور شدیم که چگونه با بهترین اسلوب از عادت زشت‌نکوهش میکرد تخلق باخلاق حمیده‌را گوشزد میساخت تا یزدان نیکی کشور(دل) خودرا از اهریمن بدی باز ستاند و سرانجام جانبداران خودرا بسعادت حقیقی‌رساند.

همه‌اقراردارند که‌هیچ اصلاح طلب‌مانند قائد مسلمانان‌طریق اساسی‌اصلاحات‌را پیش‌نگرفته است‌وهیچ نابغه‌ای دراین‌مدت کوتاه‌نتوانسته است باین اندازه موفق گردد که‌ملل جهان‌از نتیجه زحمات او بهره‌مند گردند پس جادارد که‌بعظمت وپیغمبری چنین کسی خستو شویم ودر راه نیل باسایش دنیوی واخروی دستور های اورا که قوانین الهی‌است سرمشق‌عملی خوب قراردهیم.

بقیه ازصفحه ۷

دعوت بصلح

کشتکاری که‌عمری‌شکیبائی در راه استثمار آن صرف گردیده هرگاه در هنگام گرفتن بشتابزدگی‌بمیوه آن‌نارس دست ببرند بالنتیجه بدان‌ماند که از اصل نکشته‌باشند نکردن با این کردن برابر ویکسان است از حیث نتیجه وبارنج فراوان بدان ماند که از آغاز و تازه از نو بزرع بپردازد آ نهم در زمین غیر قابل زرع منظور از خلافت تاجوری نبوده ونیست و آن مقصد ومنظوری که در کاربود باز منتظر وضع روحی‌مردم‌است .

من اگر سخن به‌گویم گویند : برای‌ملك حرص میزنند واگر آرام‌بنشینم گویند : ازمرك میهراسد .

نفوس هنوز نضج نگرفته و رشد معنوی در آغاز تحول است افکار مالیخولیائی شهریاری(ملوکی) تازه بدائره نبوت آمده . قلوب ثابت برقرار است .

اقدام ما بسوء تفاهم کشیده‌میشود . مقصد بلند انبیاء را بحسب فهم‌وحوصله‌خود تفسیر میکنند، ومی‌اندیشند که بمقاصد معمولی شبیه‌بوده واز این راه تداعی بر حرص دیگران میافزاید یعنی بانحطاط اخلاقی مردمان کمك میکند وخلایق از عالم‌حقیقت . وافق نجات دورتر میشوند و ما ازسوق مردم بنجات دورتر میافتیم .

او تادزه‌مین هر گاه دلباختگی نشان دهند (بنابتفسیر مردم) پس دیگر مردم چه خواهند کرد . مانده

بقیه ازصفحه ٦

نهضت اسلام

بالا میبرند و هرچه اینان معجزه را بایك وضع غریبتر و عجیب‌تری نقل میکنندتا بیشتر در اثبات وثبوت اثرداشته‌باشد دشمنان‌بهتر آن‌را وسیله برای هوو تمسخر ودروغ بافی‌قرارمیدهند

این نظریه در دسته از مردمان جزیرةالعرب که با اسلام مخالفت کردند ودر بسیاری‌از پیشوایان ومبلغین‌مسیحیت‌درقرون‌وسطی نفوذ داشته وبزرگترین وسیله بوده که اسلام‌راپیش مردم عوام مذهب خود یابیطرفان مذاهب دیگر دروغ وخرافت‌جلوه دهند .

اکنون‌هم‌این‌مسلك (تورم عقیده) درروشنفکران بیسواد و فریفته بتبلیغات غرض‌آلود اثر و واکنش بسیار خطرناکی دارد که آنها را دراصل‌اساس معجزه از طرفی و در صحت مدارك نقلیات اسلام ازطرف دیگر کاملا بشك انداخته وگاهی باطلان انگار واداشته و ما نام این واکنش‌را (تلاشی عقیده) میگذاریم واین فرمول‌معادله را بخاطر خوانندگان‌محترم‌برای مقالات آینده امانت‌میسپاریم .

(تورم عقیده) = (تلاشی عقیده)

یکدسته‌نسبتاًروشن‌تری نهضت‌اسلام‌وقیام محمد(ص)رابه‌دعوت‌اسلامی‌بیك‌وضعیت‌طبیعی فوق‌العاده تفسیر کرده اندبرچندوجه .

۱ ـ اساس این‌دعوت یك‌نهضت ملی‌عمومی بوده که‌مقصود ونتیجه‌آن اتحاد جامعه‌عرب وسیادت وسلطنت درعالم‌عربی‌یابرعالم بوده ومحمد(ص)یك پیشوای ملی وزعیم زبردست لایق بشمار میرود که توانسته در اثر کوشش و تعلیمات خود قبائل پراکنده‌جزیره‌رادارای‌یك‌روح اتحاد نسبتاً ثابت بموثری کند .

۲ ـ قرآن همان خاطرات و دستورات و خطاباتیست که‌در این‌زمینه‌صادرشده .

۳ ـ اسلام‌نام‌مسلك وحدت عربی‌است که نتیجه آن‌سلطنت‌عرب‌درعالم‌یابرعالم باشد .

این‌نظریه دربسیاری‌ازپیروان‌معاصر خود پیغبر خوب آشکار است ویکدسته ازروشن فکران عرب جاهلی بعد از برخورد بادعوت اسلامی و اخلاق پیغبر وآیات‌قرآن‌بهمین‌منظور متوجه شدند وازاین‌راه‌باسلام گرویدند وبمنظور ایجادوحدت ملی‌عرب‌وسیادت‌سلطنت‌درعالم وبرعالم بزرگترین فداکاریهارا برای اسلام کردند ناتمام

بقلم‌آقای‌موسی نثری

ترجمهٔ دعای صباح

بنام خداوندی که‌رحمتش بی‌انتها ومهربانیش بی‌پایان است .

کسیرا همیخوانم که‌زبان‌صبح‌را با سخنان روشن از دهان افق بـرآورده و قطعات تیره‌شب رابعالم تاریك‌ابهام و دیار ظلمانی زوال ونیستی فرستاده و ساختمان گردون گردانرا در بهترین هندسه وزیبا ترین اندازه‌گیری استوارفرموده وبااشعه نور و لهیب و فروزش خورشید تیغهـای آ فتاب را درسطح افق شرقی امتداددداده است .

کسیراهمیخوانم‌که راهنمای‌بسوی ذاتش هم خود ذات او و از همجنسی‌بـ آفریده‌های خویش دور و بالاتر وبرتراز آ نست که باچگونگی‌های آفریده خویش همجورباشد.

کسیرا همیخوانم‌که ازراه عواطف وخاطره‌های‌دلنشین‌نزدیك‌وازبازدید دیده هادورو‌بهرچه که هست‌پیش‌از هستیش‌دانا بوده‌است .

کسیراهمیخوانم که‌مرادرگاهواره امن و زنهارگاه امان خویش‌خوابانیده و برای نگریستن‌به‌بخشش واحسانهای خود بیدارم‌ساخته وبادست توانائی دست بدانرا از دراز شدن بسوی من باز داشته است .

بار آلها درود بفرست برآ‌نکسیکه درشب تیره وتار بسوی تو راهنماشده وازسببهای تو طولانی‌ترین‌رشته شرف وبزرگواری‌را بدست گرفته و در پاکی و شرافت نسب پشت درپشت بلندترین‌مقام را دارا گشته واز روزازل در لغزشگاه ها ثابت‌قدم‌بوده است درود بفرست بار خدایابر اولاداوکه نیکان وبرگزیدگان‌ونیکوکارانند . ناتمام